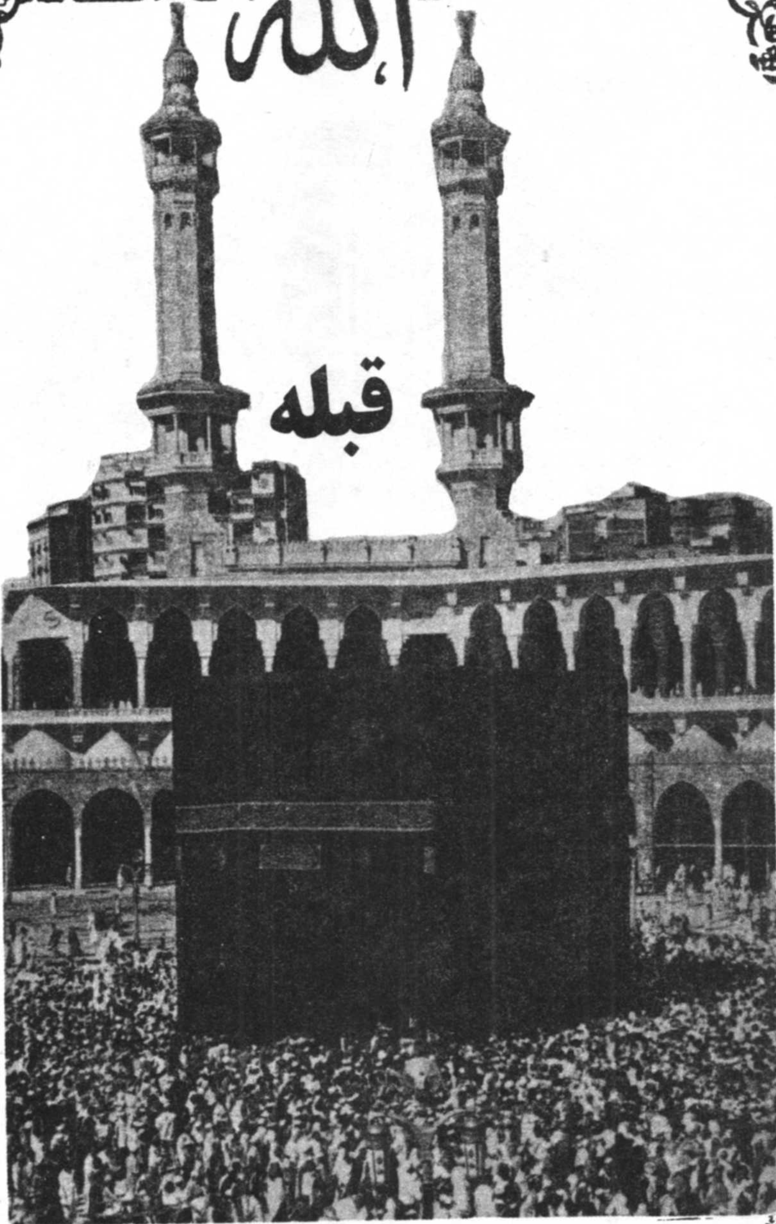
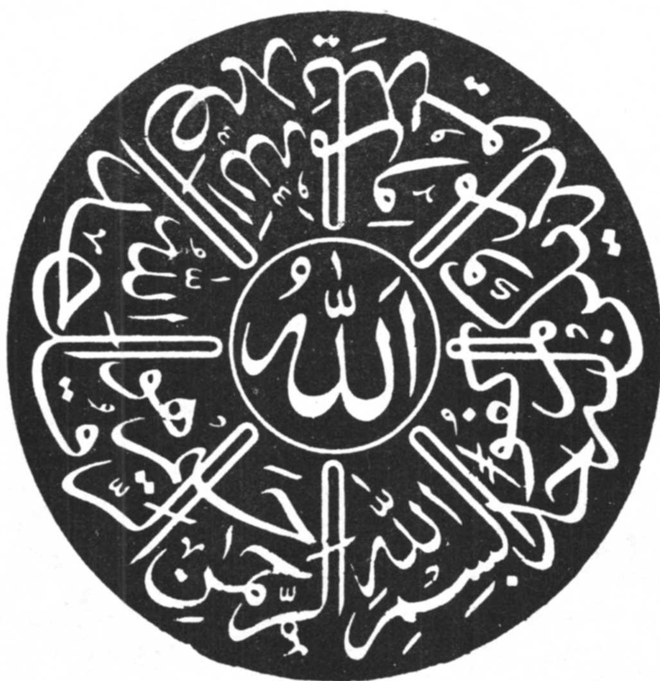


تشخیص اوقات شرعی

محمود احمدی



شناسنامهٔ کتاب

نام کتاب : .... روشهای یافتن جهت قبله و تعیین اوقات شرعی
نویسنده : .... حاج محمود احمدی
نـاشـر : .... انتشارات مسعود سنندج
تیـراژ : ۳۰۰۰
نوبت چاپ: .... اول
چــاپ : .... رستمخانی
ســال : ۱۳۷۷
حروفچینی : .... امید سنندج



سپاس و شکر شایسته پروردگاری است که سراسر کائنات و هستی را از عدم بعرصه وجود آورد و به تمام جنبنده‌گان جان بخشید، و انسان را به اشرف اکثر مخلوقات در کرهٔ زمین قرارداد و استعداد و هوش و معنویّات و معرفت و دانش را به او القاء فرمود و ما مسلمانان را به برکت دین اسلام از موحّدین خود قرار داد و به امّت حضرت محمّد (ص) سرافراز فرمود.

مامسلمانان بخاطر همبستگی و همرنگی و متّحد بودن همچنانکه جملگی یک خدا و یک کتاب و یک قانون و یک پیغمبر داریم همگی نیز به یک نقطه جهت ادای عبادات متوجّه هستیم که بیت اللّه و کعبه (قبله) نام دارد. این بنای تاریخی که به خانهٔ کعبه مشهور است یادگار حضرت ابراهیم خلیل وحضرت اسماعیل ذبیح‌اللّه (ع) میباشد قبلهٔ مسلمین در شهر مکّه در مملکت حجاز قراردارد، چون به فتوای حضرت امام شافعی (رض) مخصوصاً در موقع نماز خواندن استقبال کعبه برای مسلمانان بسیار ضروری و حائز اهمیّت میباشد لذا حقیر بخاطر سهولت برای نماز گذاران جهت تعیین قبله رهنمودهای آسانی را بعرض میرسانم که هر مسلمانی در هر شهر و روستائی خود بتواند مسیر واقعی قبله را پیدا نماید.

برای نشان دادن قبله لازم است قبلاً عرض و طول جغرافیائی کعبه و عرض و طول شهر و محلّ را بدانیم

عرض شمالی کعبه ۲۱درجه و۲۵دقیقه و۱۵ثانیه میباشد ،و طول شرقی کعبه ۳۹درجه و۴۹دقیقه و ۳۱ثانیه است.

جدول عرض و طول جعرافیائی استان آذربایجان غـربی و اسـتان کـردستان و بعضی از شهرهای این دو استان را به رشته تحریر در می آورم.

آذربایجان غربی بین ۴۴ درجه و ۳دقـیقه تـا ۴۷ درجـه و ۲۳ دقـیقه ،طـول شرقی،وبین ۳۵ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۴۶ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. استان کردستان بین ۴۵ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۶ دقیقه طـول شرقی و بین ۳۴ درجه و ۴۴ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی قرار دارد.

(جدول طول و عرض بعضی از شهرهای غرب ایران)

نام شهر	طول شرقی	عرض شمالی	نام شهر	طول شرقی	عرض شمالی
---	دقیقه - درجه	دقیقه - درجه	---	دقیقه - درجه	دقیقه - درجه
ارومیه	۴۵-۱۸	۳۲-۳۲	سنندج	۴۶-۵۹	۳۵-۱۹
مهاباد	۴۵-۴۳	۳۶-۴۶	سقز	۴۶-۱۷	۳۶-۱۴
خوی	۴۵-۰	۳۸-۳۰	بانه	۴۵-۵۵	۳۵-۵۹
سلماس	۴۴-۴۵	۳۷-۲۰	مریوان	۴۶-۱۲	۳۵-۲۷
اشنویه	۴۵-۰	۳۶-۵۹	پاوه	۴۶-۲۲	۳۵-۳
نقده	۴۵-۲۲	۳۶-۵۷	سردشت	۴۵-۳۳	۳۶-۲
پیرانشهر	۴۵-۵۸	۳۶-۴۲	قصرشیرین	۴۵-۳۵	۳۴-۳۱
میاندوآب	۴۶-۸	۳۶-۵۹	بوکان	۴۵-۴۹	۳۶-۴۲
لاهیجان	۴۵-۱۲	۳۶-۲۸	قروه	۴۷-۱۴	۳۵-۲۳

روشهای تعیین قبله

وتر قبله‌یاب دایرهٔ هندسیه سایهٔ شاخص

روی یک ورق مقوا یایک موزائیک نقطه‌ای قرار داده و دایره‌ای که مرکزش آن نقطهٔ باشد رسم می‌کنیم و در روزی آفتابی هنگام اذان ظهر شرعی به‌وقت محلّی، آن را جلو آفتاب در جائی صاف و افقی قرار می‌دهیم و یک گونیا و یا مداد را روی نقطهٔ مرکزی بطور عمود نگاه می‌داریم، سایهٔ این مداد که آنرا شاخص می‌نامیم درست در موقع اذان ظهر کوتاهترین سایه را دارد این سایه در آن دقیقه هم اوّل وقت نماز ظهر را نشان می‌دهد و هم دقیقاً در مسیر جهت شمال و جنوب جغرافیائی قرار گرفته است اگر در امتداد سایه روی دایره خطّی بکشیم که از نقطهٔ مرکز ی عبور نموده و دایره را نصف نماید دو سر آن خط جهت شمال و جنوب حقیقی آن محلّ میباشد که برای همیشه ثابت است و میتوان تفاوت انحراف قطب‌نمای فلزی را نیز با آن سنجید.

(طریق اوّل : وتر قبله یاب)

وقتی بوسیلهٔ امتداد سایه ظهر شرعی نصف النّهار محلّ (یعنی خط شمال و جنوب حقیقی) را پیدا کردیم برای نشان دادن وتر قبله‌یاب تنها به تفاضل طول و عرض جغرافیائی محلّ و همچنین طول و عرض مکّه مکرمه و یک خط کش مدرّج احتیاج داریم که لبه آن برحسب سانتیمتر تقسیم شده باشد و برای این عملیّات هر سانتی‌مترا یک درجه حساب میکنیم و در صورت کسر هر میلی‌متر را شش دقیقه بحساب می‌آوریم اکنون وارد عمل شده تفاضل عرض جغرافیائی مکّه و محلّ‌موردنظرو همچنین تفاضل طول جغرافیائی کعبه و طول جغرافیائی محلّ را بدست می‌آوریم سپس باندازه تفاضل بین عرض کعبه و عرض محلّ بوسیلهٔ خط کش (وفرض نمودن درجه به سانتی‌متر) به‌موازات خط نصف‌النهار (یعنی موازی باامتداد سایه شاخص در ظهر شرعی) خطی رسم میکنیم و در

سوی شمال بوسیلهٔ خط‌کش به فاصله تفاضل بین طول کعبه و طول محلّ مورد نظر نقطه‌ای گذاشته و این نقطه را با خطّی مستقیم بانتهای شمالی خط موازی با نصف‌النّهار عمود مینمائیم، اکنون وتر این زاویهٔ قائمهٔ (ب) را رسم نموده تا مثلث قائمه الزاویه (آ-ب-ج) ترسیم شود.

حال مقدار زاویهٔ (آ) تمایل انحراف از جنوب به غرب، و امتداد خط وتر (آ-ج)، مسیر قبلهٔ آن محلّ میباشد. اکنون برای نمونه مسیر قبله شهر سنندج را تعیین مینمائیم.

میدانیم عرض شمالی جغرافیائی سنندج ۱۹-۳۵ درجه و طول شرقی آن ۵۹-۴۶درجه و عرض شمالی کعبهٔ شریف ۲۵-۲۱ و طول شرقی آن ۴۹-۳۹ درجه میباشد اکنون این دو عرض و طولها را از یکدیگر کم میکنیم

عرض سنندج	۱۹-۳۵	طول سنندج	۵۹-۴۶
عرض مکّه	۲۵-۲۱	طول مکّه	۴۹-۳۹

حال چون تفریق در اعداد مرکب است و عدد ۱۹ دقیقه مفروق‌منه در عرض سنندج که در طرف راست قرار دارد کمتر از ۲۵ میباشد یک درجه از ۳۵ درجه طرف چپ آنرا کم و به ۶۰ دقیقه تبدیل نموده و آنرا به ۱۹ دقیقه اضافه مینمائیم که در نتیجه صورت تفریق باین شکل تغییر می نماید ۷۹-۳۴ ولی در اصل مقدار هیچ تغییری حاصل نشده اکنون تفاضلها را بدست می‌آوریم.

-۷۹-۳۴	-۵۹-۴۶
۲۵-۲۱	۴۹-۳۹
تفاضل عرضها ۵۴-۱۳	تفاضل طولها ۱۰ - ۷

وقتی تفاضلها را به‌دست آوردیم آنگاه وتر قبله نما را بترتیب ذیل رسم میکنیم اول بموازات امتداد سایه شاخص در وقت ظهر شرعی که خود مسیر شمال و جنوب چغرافیائی میباشد. خطّی مستقیم رسم میکنیم (خطّ نصف النهار محلّ) آنگاه بوسیلهٔ خط‌کش و به اندازه تفاضل بین عرض کعبه و عرض محلّ سنندج که (۵۴-۱۳) درجه میباشد. (به فرض اینکه یک‌درجه را یک سانتیمترقراردهیم)

بموازات خطّ نصف‌النهار از جنوب به شمال خطّ (آ-ب) را رسم میکنیم و در سوی شمال بوسیله خط‌کش به اندازهٔ تفاضل بین طول کعبه و سنندج یعنی (۱۰-۷) خطّی برانتهای خطّ قبلی بطور عمود رسم می‌کنیم آنگاه نقطهٔ انتهاء این خطّ را به نقطهٔ ابتدای خط اوّل در طرف جنوب وصل میکنیم.

این خطّ که وتر مثلث قائم الزاویه (آ-ب-ج) میباشد مسیر قبلهٔ شهر سنندج است که رُوبروی کعبهٔ شریف میباشد و زاویهٔ حادّهٔ جنوبی زاویهٔ انحراف خطّ قبله از نصف‌النهار سنندج است که برای همیشه مورد استفاده است.

قبله

وتر قبله‌یاب

آ

زاویهٔ انحراف

جنوب

سایه ظهر شاخص عمود نصف النهار حقیق

تفاضل هر دو عرض ۱۳۵۴-

مسیر قبلهٔ شهر سنندج

تفاضل دو طول ۱۰-۷

ب

ج

مغرب

شمال

مشرق

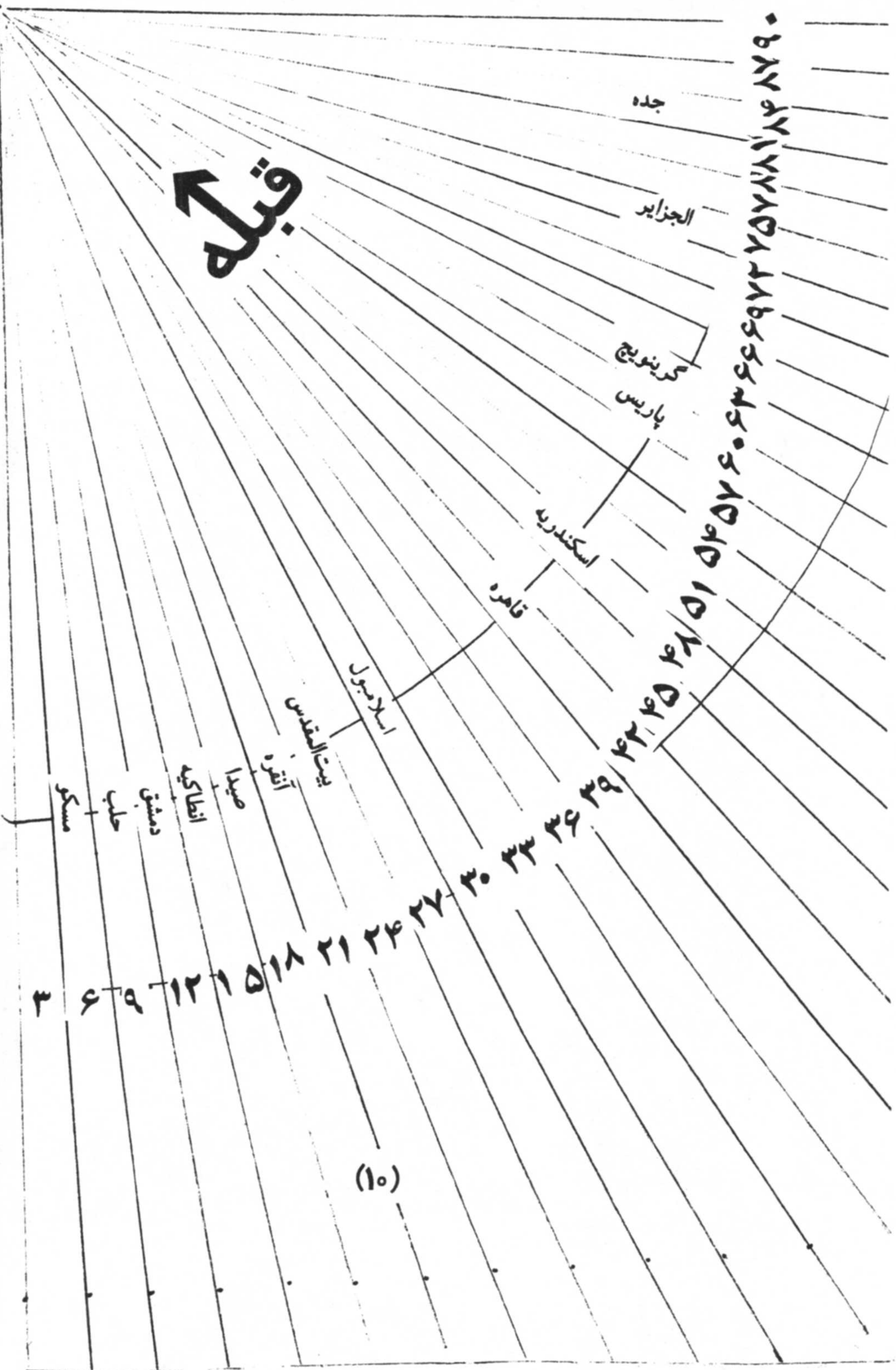
برای استفاده از نیم دایره یا عکس وتر قبله یاب لازم است در روزهای آفتابی از سایه خط‌کش یا گونیا استفاده نموده و شاخصی عمود بر زمین قرار میدهیم درست در زمانی که موقع اذان ظهر محل شروع می‌شود سایهٔ شاخص عمود در موقع اذان ظهر هر محل به کوتاهترین حد خود میرسد (یعنی بعد از آن سایه کم کم زیاد شده و به طرف مشرق رو می‌آورد) در موقع اذان ظهر شرعی سایه شاخص درست در مسیر جهت شمال و جنوب جغرافیایی قرار میگرد.

اکنون کتابچه حاضر را باز نموده و در شکل شماره ۹ یا ۱۱ شهر مورد نظر را پیدا نموده و کتابچه را در حالی که کاملاً باز میباشد روی زمین بحالت افقی در مقابل سایهٔ شاخص قرار میدهیم و آنقدر کتابرا میچرخانیم تا سایهٔ شاخص درست در وسط خط فاصل بین دو صفحهٔ کتاب در امتداد (موازی) خط (آ، ب) قرار بگیرد، در این حالت تمام شهرهائی که در شکل قرار گرفته‌اند، اگر نمازگزار به خود شاخص توجّه کند درست در مسیر کعبه (خانه خدا در مکّه مکرّمه) قرار گرفته است، و درجه اختلاف شهرهای ایران را درجهٔ انحراف به سوی مغرب مینامند، همچنانکه ملاحظه می‌فرمائید هر شهر و مکانی که شرقی‌تر باشد درجه زاویه انحرافش به غرب بیشتر است .

ملاحظه میفرمائید در سنندج باید از خط نصف النهار محل که همان مسیر سایه شاخص است با ۲۶ درجه رو بطرف غرب مایل شویم و در تهران ۳۷/۵ و مشهد ۵۵ این قاعده برای همیشه ثابت و از قبله نمای مغناطیسی دقیقتر میباشد.



جنوب
ب
قبله
حکاری
بازرگان - ایروان
خوی ۱۶ ارومیه ۱۸ اشنویه ۱۸/۵
نقده ۱۹ مهاباد ۲۰ بوکان بانه ۲۱ میاندوآب
سقز مراغه ۲/۵ مریوان ۲۳ دیواندره ۲۴
سنندج ۲۶ نوسود ۲۴/۵ پاوه ۲۵ روانسر
باختران ۲۸ - بیجار - قروه - کامیاران
ملایر - دهلران
بابلسر - آمل
تهران ۳۷/۵ قم ۳۹
شهرکرد شاهرود
سمنان - گنبد - اصفهان ۴۶
دامغان
سبزوار - ۵۰
فریمان
شیراز ۵۷ - شاهرود مشهد ۵۵ آباده
مزار شریف بیرجند میمند
کرمان ۴۶ ماهان رفسنجان
زاهدان جیرفت
لار
جاوه - احمدی
۳ ۶ ۹ ۱۲ ۱۵ ۱۸ ۲۱ ۲۴ ۲۷ ۳۰ ۳۳ ۳۶ ۳۹ ۴۲ ۴۵ ۴۸ ۵۱ ۵۴ ۵۷ ۶۰ ۶۳ ۶۶ ۶۹ ۷۲ ۷۵ ۷۸ ۸۱ ۸۴ ۸۷ ۹۰


قبله
جده
الجزایر
گرینویچ
پاریس
اسکندریه
قاهره
اسلامبول
بیت‌المقدس
آنقره
صیدا
انطاکیه
دمشق
حلب
مسکو
۳ ۶ ۹ ۱۲ ۱۵ ۱۸ ۲۱ ۲۴ ۲۷ ۳۰ ۳۳ ۳۶ ۳۹ ۴۲ ۴۵ ۴۸ ۵۱


قبله
باطرم - ۴
تفلیس - ۱۳/۵
کربلا - ۱۸ بغداد - ۱۹
نجف - ۲۰ سردشت - ۲۰/۵ تبریز ۲۰
باکوبه - ۲۷
همدان ۲۹ رشت ۳۰ انزلی ۲۹
قزوین ۳۳ - بروجرد
چالوت - خرم آباد
بصره ۳۸
بابل - ۴۰ گرگان ۴۳
دامغان ۴۵ سمنان ۴۳
نابن - چناران
قوچان ۵۰
کازرون
یزد ۵۷ بخارا ۵۶
سمرقند ۵۹
قاین ۶۱ هرات ۶۲
زابل
کابل ۷۰/۵ قندهار ۷۱/۵
کشمیر ۷۶
پکن ۸۱ کلکته ۸۱/۵
۳ ۶ ۹ ۱۲ ۱۵ ۱۸ ۲۱ ۲۴ ۲۷ ۳۰ ۳۳ ۳۶ ۳۹ ۴۲ ۴۵ ۴۸ ۵۱ ۵۴ ۵۷ ۶۰ ۶۳ ۶۶ ۶۹ ۷۲ ۷۵ ۷۸ ۸۱ ۸۴ ۸۷ ۹۰

طریق دوم

دائره هندیه (هندسیه)

برای پیداکردن سمت شمال و جنوب حقیقی جغرافیائی و پیداکـردن خـطّ مشرق و مغرب در هر محلّ در یک روز آفتابی یکی دو ساعت قبل ازظهر روی یک مقوّا یا تخته و یا موزائیک ثابت برسطحی افقی و صاف دایره‌ای رسم میکنیم و درنقطهٔ مرکز دایره یک مداد یا گونیا که طول آن در حدود نصف شعاع دایره باشد - نصب میکنیم معلوم است در ساعتهای قبل از ظهر سایهٔ مداد در طرف غرب از دایره بیرون است و کم‌کم به لب دایره نزدیک میشود ،باید مواظب بود انتهای سایه در هر نقطه‌ای وارد دایره گردید آن نقطه را با نوک خودکار نشانه میکنیم و بعد از آن سایه مداد به کوتاه‌ترین حدّ خود می‌رسد ،این موقع زمان ظهر شرعی است و امتداد سایه نیز خط شمال و جنوب جغرافیائی میباشد آنگاه سایه در طرف شرق مداد که مدّتی داخل دایره میباشد کم کم بطرف بیرون امتداد پیدا میکند ، هروقت انتهای سایه درنقطه‌ای از دایره خارج گردید آن محلّ را نیز با نقطه‌ای نشانه‌گذاری مینمائیم آنگاه بادّقت زیاد نقطه بین این دو نشانه را روی کمان دایره درناحیه جنوب پیدا می کنیم واز آن نقطه خطّ مستقیمی از مرکز دایره عبور میدهیم تا دایره را به دوقسمت مساوی تقسیم نماید ،این خطّ که قطر دایره نیز میباشد خط نصف‌النهار آن محلّ و خط شمال و جنوب حقیقی جغرافیائی میباشد که میتوان اندازه انحراف قبله نماهای فلزی را نیز با آن معلوم کرد و در روزهای دیگر هر لحظه که سایه های محلّبا این خط موازی شدند و یـا بـرآن منطبق گردیدند ،(در آن موقع سایه به کوتاهترین حد خود رسیده) و آن لحظه ظهر شرعی میباشد سپس از طرف شرق بسوی غرب خطّی را برمرکز دایره عبور میدهیم بطوری که این خطّ، خط نصف‌النهار را قطع کند و چهار زاویـه قـائمهٔ

(۹۰) درست شود، این خطّ که قطر دوم میباشد خط مشرق و مغرب حقیقی میباشد برای آن روز ، ولی قطر اوّل همچنانکه گفتیم خطّ شمال و جنوب و نصف‌النّهار حقیقی محلّ است و در تمام سال برای همیشه ثابت است .

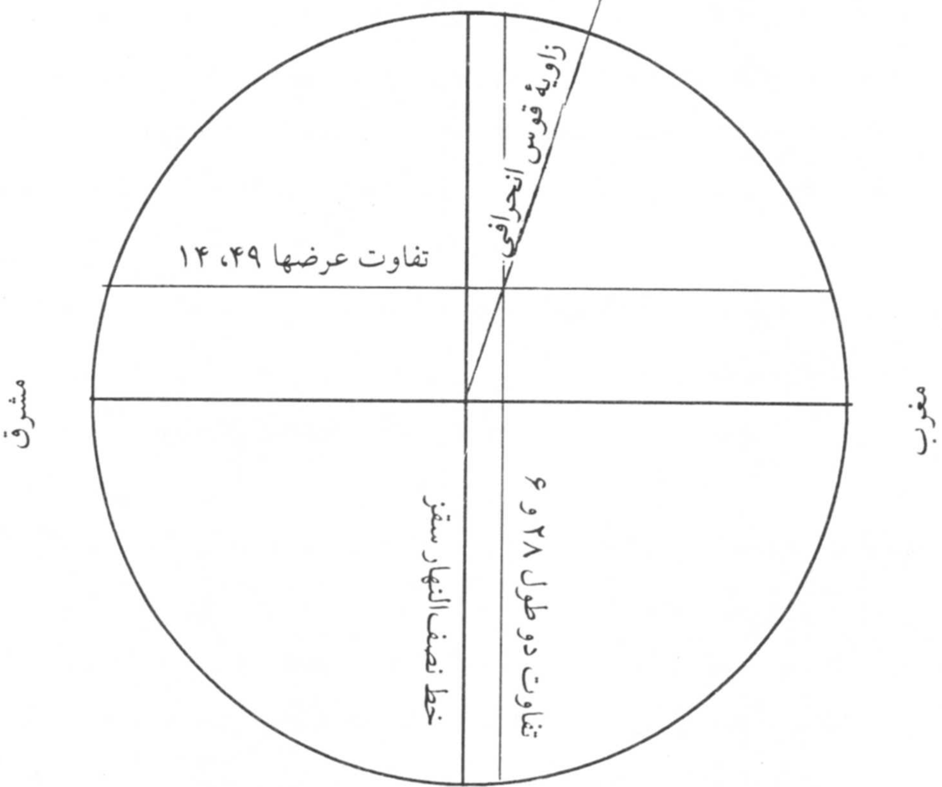
اکنون که شرق و غرب و شمال و جنوب حقیقی را پیدا کردیم شاخص را در وسط دائره برمی‌داریم و مرحلهٔ دوّم را شروع میکنم. برای پیدا کردن قبله قطعی در هر محلّ باید عرض و طول جغرافیائی آن محل را با عرض و طول جغرافیائی کعبه شریف مقایسه نمائیم. (یعنی عرض را از عرض، و طول را از طول منها می کنیم تا تفاضل هر دو به‌دست آید). آنگاه قسمتهای چهارگانه دائره را هرکدام به ۹۰ قسمت مساوی تقسیم کرده تا تمام درجات یک دایره یعنی ۳۶۰ درجه بدست آید.

سپس باندازه تفاوت عرض محلّ و عرض کعبه از دونقطه مشرق و مغرب بسوی جنوب رفته و نقطه میگذاریم و آن دو نقطه را با خطیّ مستقیم به هم وصل میکنیم. (یعنی روی آن دونقطه خطّی به موازات خطّ شرق و غرب رسم می‌نمائیم)

اکنون باندازه تفاوت طول محلّ و طول کعبه از نقطه شمال و جنوب به‌طرف مغرب اندازه‌گیری نموده و نقطه میگذاریم و بین این دو نقطه را نیز بوسیلهٔ خطّی مستقیم به‌موازات خط شمال و جنوب (نصف‌النهار) با هم وصل میکنیم البته این دو خط (درشهرهای ایران در ناحیه جنوب غربی یکدیگر را قطع میکنند ، و در شهرهائی مانند تونس ،این نقطه تقاطع و زاویه انحرافی و خط قبله درجنوب شرقی واقع می‌شوند). اکنون از مرکز دایره وروی نقطهٔ تقاطع تا کنار دایره خطّی مستقیم (شعاعی) رسم میکنیم؛ امتداد این خط قبله حقیقی میباشد یعنی اگر آنرا ادامه دهیم مستقیم به کعبه خواهد رسید ،(شکل بعدی)

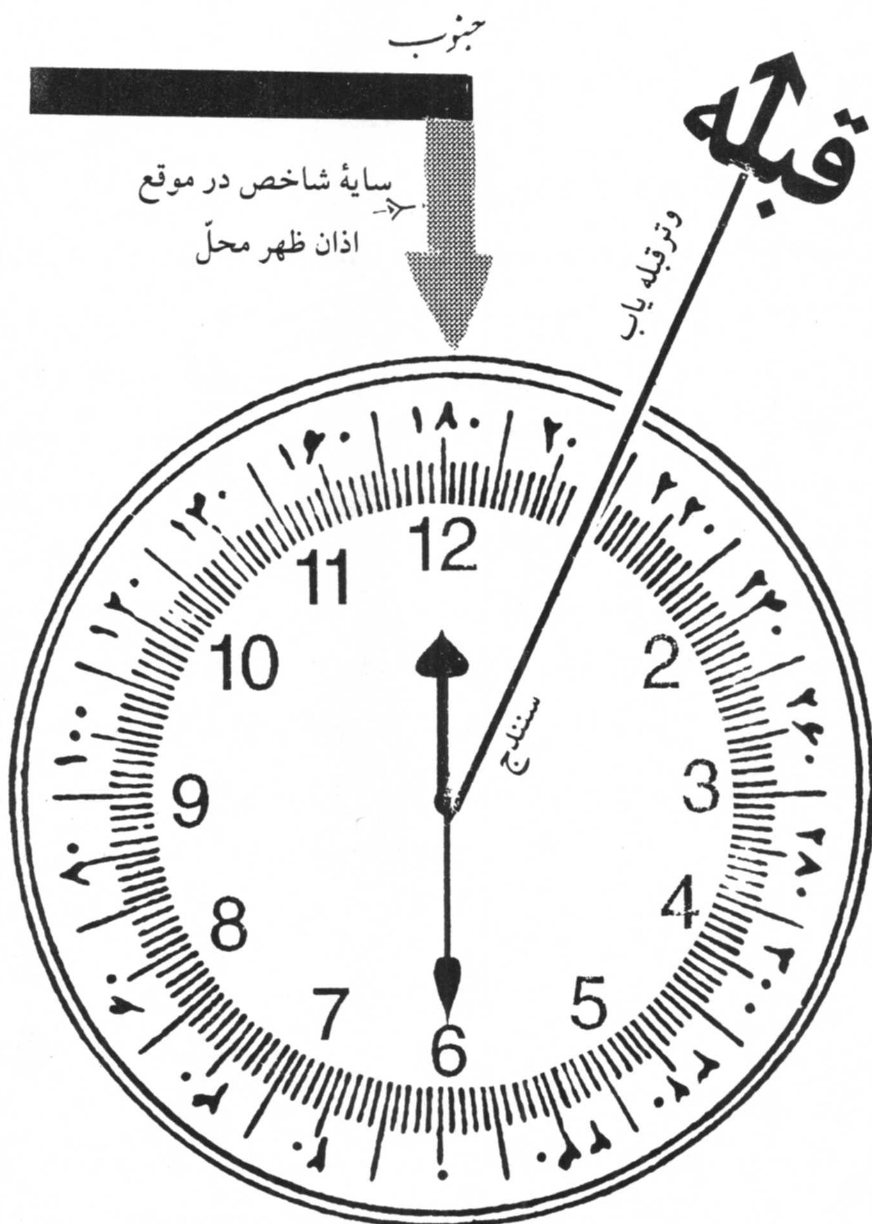
دایرهٔ هندسیه

جنوب



شمال

تعیین مسیر قبله شهر سقز از طریق رسم دایره هندیه


جنوب
قبله
سایهٔ شاخص در موقع
اذان ظهر محلّ
وترقبله یاب
سنندج
شمال

طریق سوم

آسانترین راه این است که ساعت خود را در زمانی که موقع اذان ظهر شرعی میباشد ساعت شمار را روی رقم ۱۲ ودقیقه شمار را روی رقم ۶ قرار بدهیم و امتداد ساعت شمار و دقیقه شمار را در امتداد سایهٔ شاخص بگذاریم که مسیر شمال و جنوب حقیقی میباشند ، در این موقع هرگاه ثانیه شمار روی درجه مربوط به آن محل رسید امتداد ثانیه شمار، جهت و مسیر قبله آن محلّ میباشد. یعنی چون فاصله هردقیقه ۶ درجه است هرگاه ثانیه شمار در شهر سنندج بین دقیقه (۴ و ۵)قرار بگیرد امتداد ثانیه شمار در آن لحظه مسیر قبله سنندج میباشد در شهرهای مهاباد، میاندوآب ، سردشت، تبریز، بانه و بوکان ثانیه شمار بین دقیقه (۳ و ۴) قرار میگیرد و در شهرهای ارومیّه، اشنویّه، نقده و پیرانشهر روی دقیقهٔ (۳) قرار دارد. درشهرهای سقز، مریوان ، نوسود و دیواندره عقربهٔ ساعت باید روی دقیقه (۴) قرار گیرد (که معکوس آنها در صفحه قبل که از طریق وتر قبله‌یاب ثابت شده است مشاهده بفرمائید).

طریق چهارم

این قاعده هر چند بسیار دقیق نیست ولی وسیله‌ای ساده و بدون دردسر میباشد، و روش اینست که همیشه حدود یک ساعت بعد از اذان ظهر سایه انسان یا هر شاخص عمودی بر زمین تقریباً در مسیر قبله میباشد. والله اعلم

بسم الله الرحمن الرحیم

تعیین اوقات شرعی نمازهای پنجگانه

وقت نماز ظهر

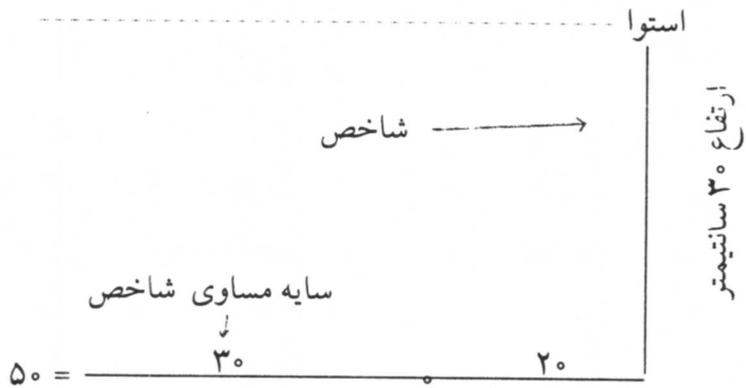
نماز ظهر چهار رکعت است و اول وقت آن گذشتن آفتاب از خط استوا (وسط آسمان) میباشد یعنی زمانی که سایه هر شاخصی به کوتاه‌ترین حدّ خود برسد و آخرین وقت ظهر هنگامی است که سایه هر شاخص برابر خودش بشود باضافه سایه آن شیئی در وقت استوا.

نمونه تعیین سایه شاخص

چوبی راست را در جائی صاف و هموار بر زمین نصب میکنیم صبحها سایه بطرف مغرب است و کم کم آفتاب بلند میشود سایه بطرف چوب برمیگردد زمانی که خورشید به وسط آسمان (خط استوا) میرسد سایه به تمام معنی کوتاه میشود این سایه را که ظلّ استوا مینامند اندازه میگریم. رسیدن سایه به این اندازه علامت داخل شدن وقت نماز ظهر میباشد و سایه در آن دقیقه درست در مسیر شمال و جنوب جغرافیائی آن محلّ است ، و بعد از آن کم کم سایه چوب بطرف مشرق امتداد پیدا میکند ، پس هر وقت این سایه به غیر اندازه قبلی که گرفته بودیم برابر طول چوب نصب شده گردید، وقت نماز ظهر تمام شده ،و بعبارت دیگر اول وقت نماز عصر رسیده است.

توضیح شاخص :

چوب یا میله نصب شدهٔ عمود بر زمین را شاخص مینامند. تصویر شاخص برای تعیین اوّل و آخر نماز ظهر و عصر بترتیب زیر است.



در این ترسیم شاخص، عمودی به ارتفاع ۳۰ سانتیمتر. ملاحظه می شودکوتاه‌ترین سایه آن در وقت اذان ظهر که خورشید در استوا است مثلاً بیست سانتیمتر میباشد که ابتدای نماز ظهر است هر گاه طول این سایه به ۵۰ سانتیمتر یعنی (۲۰+۳۰ سانتیمتر) رسید پایان وقت نماز ظهر و ابتدای نماز عصر میباشد باید توجه داشت که ظلّ استوا یعنی سایه شاخص در موقع ظهر همیشه در حال تغییر میباشد به نحوی که در جدول زیر می‌بینیم اگر طول قامت انسانی ۱۶۰ سانتیمتر باشد سایه‌اش در اوائل تابستان ۵۰ سانتیمتر یعنی طول سایه ظهر $\frac{1}{3}$ طول شاخص میباشد ولی در اواخر آذر به ۳۰۰ سانتیمتر میرسد.

اکنون توجه فرمائید: اگر شخصی ۱۶۰ سانتیمتر طول قامتش باشد و طول پای او ۲۵ سانتیمتر باشد در پایان نماز ظهر و اوّل وقت نماز عصر سایه‌اش در طول سال به قرار ذیل میباشد.

وقت نماز عصر

همانطور که در آخر نماز ظهر اشاره شد ابتدای وقت نماز عصر زمانی است که هر شاخص عمودی سایه‌اش باندازه خودش بشود باضافه سایه ابتدای ظهر (ظلّ استوا) و این قضیه طبیعی و مستند را فقهای اسلامی در کتابهائی مانند الام امام شافعی و کتاب مغنی المحتاج صفحه ۱۲۱ و شریعت اسلام ملا عبدالکریم ص ۷۵ کتاب مذاهب اربعه ص ۱۳۲ و منهاج‌الطالبین ص ۸ و منهج ص ۷ و کتاب فقه‌السنه ص ۸۹ و المفصل ص ۱۸۶ و اعانه الطالبین ص ۱۱۶ و فتح‌القریب ص ۱۴ متفق‌القول بیان فرموده‌اند . و درکتابهائی مانند الغنیه شیخ‌عبدالقادر گیلانی و شریعت اسلام ملاعبدالکریم مدرّس و کتاب باقیات الصالحات و غیره ، طول سایه و وقت دوازده ماه سال را با اندازه طول پا و سایه قامت انسان در مناطق کردستان به ترتیب ذیل بیان فرموده‌اند که به طریقه تمثیل شخصی مشهور است.

نام ماهها	تعدادپا × طول پا = سایه استوا + قدشخص = کل سایه
۱- در فروردین	۶ × ۲۵ = ۱۵۰ + ۱۶۰ = ۳۱۰ سانیمتر
۲- در اردیبهشت	۴ × ۲۵ = ۱۰۰ + ۱۶۰ = ۲۶۰ سانتیمتر
۳- در خرداد	۲ × ۲۵ = ۵۰ + ۱۶۰ = ۲۱۰ سانتیمتر
۴- در تیر	۲ × ۲۵ = ۵۰ + ۱۶۰ = ۲۱۰ سانتیمتر
۵- در مرداد	۴ × ۲۵ = ۱۰۰ + ۱۶۰ = ۲۶۰ سانتیمتر
۶- در شهریور	۶ × ۲۵ = ۱۵۰ + ۱۶۰ = ۳۱۰ سانتیمتر
۷- در مهر	۸ × ۲۵ = ۲۰۰ + ۱۶۰ = ۳۶۰ سانتیمتر
۸- در آبان	۱۱ × ۲۵ = ۲۷۵ + ۱۶۰ = ۴۳۵ سانتیمتر
۹- در آذر	۱۲ × ۲۵ = ۳۰۰ + ۱۶۰ = ۴۶۰ سانتیمتر
۱۰- در دی	۱۲ × ۲۵ = ۳۰۰ + ۱۶۰ = ۴۶۰ سانتیمتر
۱۱- در بهمن	۱۱ × ۲۵ = ۲۷۵ + ۱۶۰ = ۴۳۵ سانتیمتر
۱۲- در اسفند	۸ × ۲۵ = ۲۰۰ + ۱۶۰ = ۳۶۰ سانتیمتر

توضیح اینکه این سایه ها ابتدای نماز ظهر را نشان می دهند و برای تعیین آخر وقت ظهر و ابتدای وقت عصر ، سایه انسان باید باندازۀ طول قامت شخص بشود ، باضافه سایه ظهر که بیان شده ، مثلاً در اوّل فروردین ابتدای نماز عصر زمانی است که سایه انسان باندازه طول قامت خودش باشد باضافۀ طول شش پا.
در کتاب الغنیه شیخ عبدالقادر گیلانی جلد سوم صفحه ۱۱۰۶ چاپ جدید.

سایه شخص واندازۀ پاهابه ترتیب ذیل آمده است .

سایه شخص در ماه حُزیران	اوّل ظهر ۳	پا	اول عصر ۹/۵	پا
سایه شخص در ماه تموز	اوّل ظهر ۴	پا	اول عصر ۱۰/۵	پا
سایه شخص در ماه آب	اوّل ظهر ۵	پا	اول عصر ۱۱/۵	پا
سایه شخص در ماه ایلول	اوّل ظهر ۶	پا	اول عصر ۱۲/۵	پا
سایه شخص در ماه تشرین ۱	اوّل ظهر ۷	پا	اول عصر ۱۳/۵	پا
سایه شخص در ماه تشرین ۲	اوّل ظهر ۸	پا	اول عصر ۱۴/۵	پا
سایه شخص در ماه کانون ۱	اوّل ظهر ۱۰/۵	پا	اول عصر ۱۵	پا
سایه شخص در ماه کانون ۲	اوّل ظهر ۹	پا	اول عصر ۱۵	پا
سایه شخص در ماه شباط	اوّل ظهر ۷/۵	پا	اول عصر ۱۴/۵	پا
سایه شخص در ماه آزار	اوّل ظهر ۶	پا	اول عصر ۱۲/۵	پا
سایه شخص در ماه نیسان	اوّل ظهر ۴/۵	پا	اول عصر ۱۱	پا
سایه شخص در ماه ایار	اوّل ظهر ۳/۵	پا	اول عصر ۱۰	پا

(توجه داشته باشید اول فروردین سال شمسی برابر روز بیست و یکم آزار ماه رومی می‌باشد.)

دقیقترین جدول سایه شاخص عمود سی سانتی (یک گونیاء سی سانتیمتری) در طول سال جهت تشخیص شروع ابتدای نماز ظهر و عصر برحسب فتوای علمای فقه شافعی، به ترتیب ذیل می‌باشد:

زمان در طول سال	طول سایه در ابتدای ظهر		طول شاخص (گونیا)		طول سایه در ابتدای عصر
اول فروردین	۲۰	+	۳۰	=	۵۰ سانتیمتر
۱۵ فروردین	۱۷	+	۳۰	=	۴۷
آخر فروردین	۱۴	+	۳۰	=	۴۴
اول اردیبهشت	۱۳/۹	+	۳۰	=	۴۳/۹
۱۵ اردیبهشت	۱۱	+	۳۰	=	۴۱
آخر اردیبهشت	۸/۵	+	۳۰	=	۳۸/۵
اول خرداد	۸/۶	+	۳۰	=	۳۸/۶
۱۵خرداد	۷/۳	+	۳۰	=	۳۷/۳
آخر خرداد	۶	+	۳۰	=	۳۶
اول تیر	۶/۱	+	۳۰	=	۳۶/۱
۱۵ تیر	۷/۳	+	۳۰	=	۳۷/۳
آخر تیر	۸/۵	+	۳۰	=	۳۸/۵
اول مرداد	۸/۶	+	۳۰	=	۳۸/۶
۱۵مرداد	۱۱/۵	+	۳۰	=	۴۱/۵
آخر مرداد	۱۴	+	۳۰	=	۴۴
اول شهریور	۱۴/۱	+	۳۰	=	۴۴/۱
۱۵ شهریور	۱۷	+	۳۰	=	۴۷
آخر شهریور	۲۰	+	۳۰	=	۵۰

اول مهر	۲۰/۱	+	۳۰	=	۵۰/۱
۱۵ مهر	۲۶	+	۳۰	=	۵۶
آخر مهر	۳۲	+	۳۰	=	۵۲
اول آبان	۳۲/۱	+	۳۰	=	۶۲/۱
۱۵ آبان	۳۷	+	۳۰	=	۶۷
آخر آبان	۴۲	+	۳۰	=	۷۲
اول آذر	۴۲/۱	+	۳۰	=	۷۲/۱
۱۵ آذر	۴۵	+	۳۰	=	۷۵
آخر آذر	۴۸	+	۳۰	=	۷۸
اول دی	۴۸	+	۳۰	=	۷۸
۱۵ دی	۴۵	+	۳۰	=	۷۵
آخر دی	۴۲	+	۳۰	=	۷۲
اول بهمن	۴۱/۹	+	۳۰	=	۷۱/۹
۱۵ بهمن	۳۷	+	۳۰	=	۶۷
آخر بهمن	۳۲	+	۳۰	=	۶۲
اول اسفند	۳۱/۹	+	۳۰	=	۶۱/۹
۱۵ اسفند	۲۶	+	۳۰	=	۵۶
آخر اسفند	۲۰	+	۳۰	=	۵۰

وقت نماز مغرب

نماز مغرب سه رکعت است، ابتدای زمان نماز مغرب از غروب آفتاب است تا ناپدید شدن شفق قرمز (تاریک شدن کامل کناره آسمان در مغرب).

وقت نماز عشاء

نماز عشاء چهار رکعت است.

اوّل وقت آن ناپدید شدن شفق قرمز از طرف مغرب میباشد و پایان آن طلوع فجر صادق میباشد .

وقت نماز صبح

نماز صبح دو رکعت است

وقت نماز صبح از طلوع فجر صادق (روشن شدن کناره آسمان بطور افقی) تا

طلوع آفتاب از مشرق می‌باشد.

شایان ذکر است که اقای عبدالله نوبخت منجم باشی کردستانی در جواب سؤال مرحوم استاد حمدی در تقویم نجومی سال ۱۳۵۹ نوشته‌اند زمان بین الطلوعین در بلاد ایران از یک ساعت و ۲۶ دقیقه تا یک ساعت و ۵۰ دقیقه متغیر میباشد و توضیح علمی آنرا نیز مفصلاً بیان نموده است و الله اعلم بصواب

حاج محموداحمدی

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد حَمد خالق و نعتِ رسول بشنو این نکته تو بر سَمع قبول
درکلام خویش حق درّی بسُفت (رَتِلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً) بگفت
نَقل از عُثمان روایت از نبی(ص) پند داده هر ذکی را و غبی
نیز نقل است از علی مُرتضی آن مدینه علم آن باب رضا
گفت تَرتیل آنکه داری تو وقوف در قرائت علم تجوید حروف
موضع اظهار و اخِفا درکلام اِنقلاب و، اِدغاماتِ تمام
مدّ لازم مدّ جایز ای عزیز فرق راه، و لام، در حد تمیز
با تأنی نُطق را نیش کنی هم تَأمُل در معانیش کنی
علم در تجوید قرآن لازم است هرکه بی تجوید خواند آثم است
رحمت حق میشود بروی حرام میکند قرآن بر او لعنت مدام
وآنکه آرد حق ترتیلش به جای شافع او میشود در دو سرای
در ادای بحث تجوید کلام قاریان تألیفها کرده تمام
لیک نظم مختصر گوید فقیر تا بود هر مبتدی را دلپذیر

(بحث اظهار)

گوش کن ای عاقل صاحب ادب با تو اظهاری کنم نبود عجب
نون ساکن چون رسد با حرف حَلق خوب اظهارش بکن بی شرم خلق
حرف حَلقی شش بود ای نورعین هاو، همزه، حا، و خا، و عَین ،و غَین
نیز تَنوین حکم نون دارد بدان مثل (مِنْ عِنْدِ)وَ(خَيراتٌ حِسَان)

(بحث اخفاء)

نون ساکن در تلاوت هرکجا چون رسد با پانزده حرف هجا
میکن اخفایش تو با تنوین مگر این بود تعداد حرف ای معتبر
ثا، و تا، وجیم، و دال، و ذال، و سین زا، و صاد، و طا،و ظا،وشین
فا، و قاف، وکاف ،دان اندر مثال (لَنْ تَنالُوا مُنذِزهُم مِنْ زَوال)
هم بود (عَهدَاً فَلَنْ شَیْء قَدیر) غیر آنها را بر این ترتیب گیر

(بحث اظهار شَفَوی)

ای برادرگر تو باشی در طلب با تو اِظهاری کنم نبود عجب
هست اظهار شفوی در سه جا میم ساکن چون رسد با واو، و فا
نیز بارا از خلاف قاریان میکن اظهار شفوی اندر آن
مثل (هُمْ فیها) وهَم (مِنکُمْ وَ لَمْ) باز اندر (هُمْ بِها)اولی است ضَم
میم خوب اظهارکن وقت ادا زود بگشا هردو لب با واو، فا

(بَحث قَلب)

نون ساکن نیز تنوین در سخن گر رسد با، با، به میمش قلب کُن
مثل (مِنْ بَعْدِ، رَؤُفٌ بِالْعِباد) درکلام حق بخوان با اِعتقاد

(بحث ادغام)

چار قسم است اِدغام ای معتبر یک مع الغُنه ،بلاغنه، دگر
سوم ادغام مثالین خوانیش چوارم ادغام تقارب دانیش

۱ـ(ادغام مَعَ الْغُنه)

هست ادغام مَعَ الْغُنَّه چنان — نون ساکن نیز تنوین را بدان

چون رسد با میم و، واو یاء و، نون — باشد ادغام مَع الغنه کنون

غنه آوازیست کز بینی بود — کن پسند این را نه خودبینی بود

مثل (مِنْ والٍ) وَ در (هلْ مِنْ مَزید) — اِنْ نَشاءُ مَنْ یُؤمِن)دان ای فرید

هم تو بر (رَعْدٌ وَ بَرْقٌ) کن قیاس — باقی امثالش بدان ای حقشناس

غیر در (صِنْوان و قِنْوان) در کلام — نیز در (دُنیا) کن اظهار تمام

۲ـ(ادغام بدون غنه)

باشد ادغام بلاغنه چنین — نون، و تنوین، لام، و را، کن قَرین

میکن ادغام بلاغنه مگر — مثل (مِنْ رَبِّک، وَ خَیرٌ لَک) شمر

۳ـ(ادغام مِثلَین)

آن بود ادغام مِثلَین در حساب — چون دو حرف مثل یابی در کتاب

اولش ساکن دوم با حَرَکه — میکن ادغامش بهم بی مَعرکه

مثل (کُنتُمْ مُؤْمِنینَ) یا غیر آن — هَم (أنْ اِضْرِبْ بِعَصاکَ) باز خوان

(بحث ادغام متقاربین)

چون دو حرف با هم قَریبُ اَلْمَخْرَجَیْن — اولش ساکن بود ای نورعین

باشد ادغام تقارب اندرآن — همچنین اندر کلام حق بخوان

(تاء) را در (دال و طاء) کن ادغام — مثل (قالَتْ طّائِفَة) در هر مقام

هم (أجیبَت دَّعْوَتَک) دیگر مثال — در (عَبَدْتُّ) نیز کن ادغام (دال)

در اَحَطْتُّ (طا) را ادغام (تا) — لیک ماند اندر او اطباق، طا

(ثاء) را در (ذال) سازی ادغام — مثل (یَلْهثْ ذّالِکَ) در هر مقام

ذال ،را در، ظا، مثل (اِذْظَّلَموا) — چونکه در یک مَخرجَند ادغام گو

لام، را در، راء (قُـلْ رَبِّـی) بـخوان قـاف ،را در، کـاف (یَـخْلُقْکُمْ) بـدان
بـــاء، را در، مـــیم (اِرْکَبْ مَّــعَنٰا) ســـاز ادغـــام تــقارب بــی عـــنا
لیک در (اِذْ زاغَتِ الاَبْــصٰار) مســـاز انــــدران ادغـــام ذال ای ســرفراز
زانکـــه نــبود در تــجانس ذال و زا در تـــقارب هـــم بـعیدند و جـدا

(بحث راء)

قـاریان خـوانند، را، را بـر دو قِسم یک بـزرگ و یک بترقیق انـدر اسم
چـون بـود مَـفتوح یـا مـضموم (را) سخت خـوانش چـون (رَزَقْـنٰا رُبَّـمٰا)
ور بـود مکسور(را) کـوچک بـخوان مـــثل (رِزْقاً) هـم (رِئـاءَ) را بـدان
ور بـود ســاکــن بــه مـاقبلش نگر چـون بـود مـضموم یـا مـفتوح اگـر
مـثل (قَـرْیَه، مـرضه، انـدرکـلام خـوان تـو آنـرا بـا درشتی تـمام
ور بکسـر عـارضی بـاشد بـه زیـر چون (اِنْ ارْتَبْتُم) تـو آنـرا سخت گیر
ور نـــباشد عـارضی آن کسـره‌اش حـــرف اِسـتعلا بـود مـابعدیش
بـاز آنـراکـن قـوی ای حـق شـناس مـثل (مِـرصاد فِـرْقَهْ)کـن قـیاس
خا،طاء، و ظاء، و غـین، و صـاد، و ضـاد قـاف، هـم از حـرف استعلاست یـاد
ور نـــباشد حـرف (اسـتعلاش) پس مثل (مِرْیَه) خـوانـیش تـرقیق و بس
ور بـود (را) ســاکـــن و مـــاقبل نـیز (یـای) سـاکـن بـاشد آنـراکـن تـمیز
مـثل (خَـیْرْ، هـم، طَـیر)در وقـف آن نـیز آن را تـو سـبکتر بـاز خـوان
گـر نـباشد (یـاء) بـل حـرفی دگـر ور بـــود مـاقبل مـفتوح ای پسـر
یـا بـود مـضموم آنـراکـن قـوی (لَـیْلَةُ الْـقَدْر) است اگـر تـو بشنوی
هـم مـثال دیگـرش بـاشد (نُشـور) لیک دَر وقف است ای صـاحب شـعور
ور بـود مکسـور کـوچکرا بـخوان مـثل درکـاف (نُکِـر) وقـف آن

بحث لام

ای برادر در کلام حقتعال
لام‌ها را خوان تو کوچک در مقال

غیر در (اَللّٰه) هر جا واقع است
خوان‌معظم چون در اسم جامع است

لیک در وقتی بود ماقبل آن
فتحه یا ضمه چو (اللّٰه) را بدان

همچو (عَبْدُاللّٰه) مثال دیگرش
در کلام‌اللّٰه حقیقت بنگرش

ور بود مکسور ترقیقش بخوان
مثل (بِاللّٰهِ و لِلّٰه) بدان

(ها ضمیر)

چون بود (هاء) ضمیر اندرکتاب
دار اشباعش به مَدّکم صواب

لیک بنگر چون بود ماقبل آن
فتحه یا ضمه یاکسره نشان

چون (لَهُ تَأْوِیلُهُ مِنْ عِنْدِه)
غیرآنها در (بِهِ)ای تو مهی

ور بود ساکن تو اشباعش مکن
(مِنْهُ فیْهِ) مَثَل شد در سخن

غیر در (فیهِ مَهٰاناً) مد مخوان
نزد قُرا هَست رمزی اندر آن

گر بود در پیش حرکه عارضه
مد را خواندن بود بر تو بزه

مثل در (یَرْضِهُ لَکُمْ)دان قول حق
اینچنین دادند استادان سبق

(بحث حرف مُنَقَطّعَة)

در مقابل چون حروف مُنقطع
از سه حرف باشد مرکب مُجتمع

گر وسط ساکن بود مَدش بخوان
مثل لاٰم و میم و ضاد و غیر آن

کاف و عین و شینْ قاف اندر شمر
غیر اینها (نون) بود ای مُعتبر

راۡ و حاۡ و طاۡ و هاۡ را در رقم
مد جایز نیست ای صاحب قلم

(بحث مَد)

مد باشد بر سه قسم اندرکلام
مُتصل یا منفصل خوانی بنام

وآن دگر مد ضروری خوانیش
شرح هر یک گوش کن تا دانیش

۱-(مد متصل (پیوست))

الف، و واو، و یـا، حـروف عـلـه انـد — در یکـی کـلمه اگـر واقـع شـوند
هـر سـه سـاکـن هـمزه را یـابند تـمام — مـد لازم مـتصل دان درمـقام
ســآء، ســوٓء، دگـر سـیٓءَ تکـر — الف و واو، یـاء بـر هـمزه شـمر

۲-(مد مُنفصل (جدا))

گـر رسـد در دو کـلمه هـمزه را — مـد جـایز مـنفصل دان جـمله را
مـثل (مـا اُنـزِلَ وَ قـالوٓا اِنَّـما) — هـم (وَفـی آذانِـهِم اِنّـا اِلیٰ)

تمیز آنها

مـتصل حـدی است لازم دائـم است — مـنفصل جـایز کـه حـد جـایز است
پـنج الف مـقدار مـد لازم است — چـار هـم جـایز کـه مـد جـایز است

(بحث مد ضروری) ۲۸

حرف عله چون بـه مَـد غـم در رسـند — مـد ضـروری را دان بکـن ایـنرا پسند
مـثل (دابـه، هـم ،تـحاجونی) بـیاب — خـتم شـد و اللّٰـه اعـلم بـا لصـواب

(بحث وقفه)

مـعنی وقـف در لغت اِسـتادن است — ز اصـطلاح قـاریان دم دادن است
عـلم وقـفه سـنت پـیغمبر است — هـر کـه نـبود او وقـوفش ابتراست
هـم نـمازش نـیست کـامل ای عـزیز — اقـتدا بـروی نشـاید کـرد نـیز
چـند بـیتی نـظم در بـحث وقـوف — در نشـان رمـزهای آن حـروف
بـازخـوانـم بـا تـو آنـرا سربسر — یـادگیر ای حـق‌شناس پـر هـنر

(بحث رموز وقوف)

ۀ نشان آیه است ای نکته دان — حکم آن در اصل وقف آمد بدان

م وقف لازم است مگذر شما — ورگذشتی کرده‌ای کار خطا

ط وقف مطلق آمد مرترا — نگذری زان هر کجا یابی ورا

ج جایز بگذری آن هم رواست — لیک در وی ایستادن بهتر است

ز مجوز ایستی هم درخواست — لیک بگذشتن از آن اولیتراست

ص در وقفه مرخص خوانده‌ای — ایستی دروی اگر درمانده‌ای

ق رمز قیل بِالُوقف آمده است — وصل را اولی است اگر پیش آمده است

گر نفس تنگی کند وقفش بکن — لیک اعاده کن هم او را در سخن

س بود سکته ولی دم از نفس — قطع باید کرد ای صاحب هوس

وقف باشد کمتر از سکته بسی — تاتوانی فرق کردن هر کسی

حکم وقف مطلق است (قف) را بدان — لیک در جای است از آن نبودگمان

گر (صلی) را مینویسند ای زکی — وصل اولی است اگر تو مدرکی

لیک اگر در آیه باشد (لا) سَنی — احتیاجی نیست تاعودش کنی

رمز لاوقف است لا ای هوشمند — چون ببینی بگذر از وی بی گزند

ور بود بی آیه (لا) وقفش مکن — ورضروری باشدت عودش بکن

(صل) بود امری بَوَصل ای حق پرست — لیک در جائی که وَهْم وقف هست

گر (قلی) را مینویسند درکلام — قیل لا وقف است تأویلش تمام

وربود (ک) از کذالک بازآن — حکم او چون امر قبلش را بدان

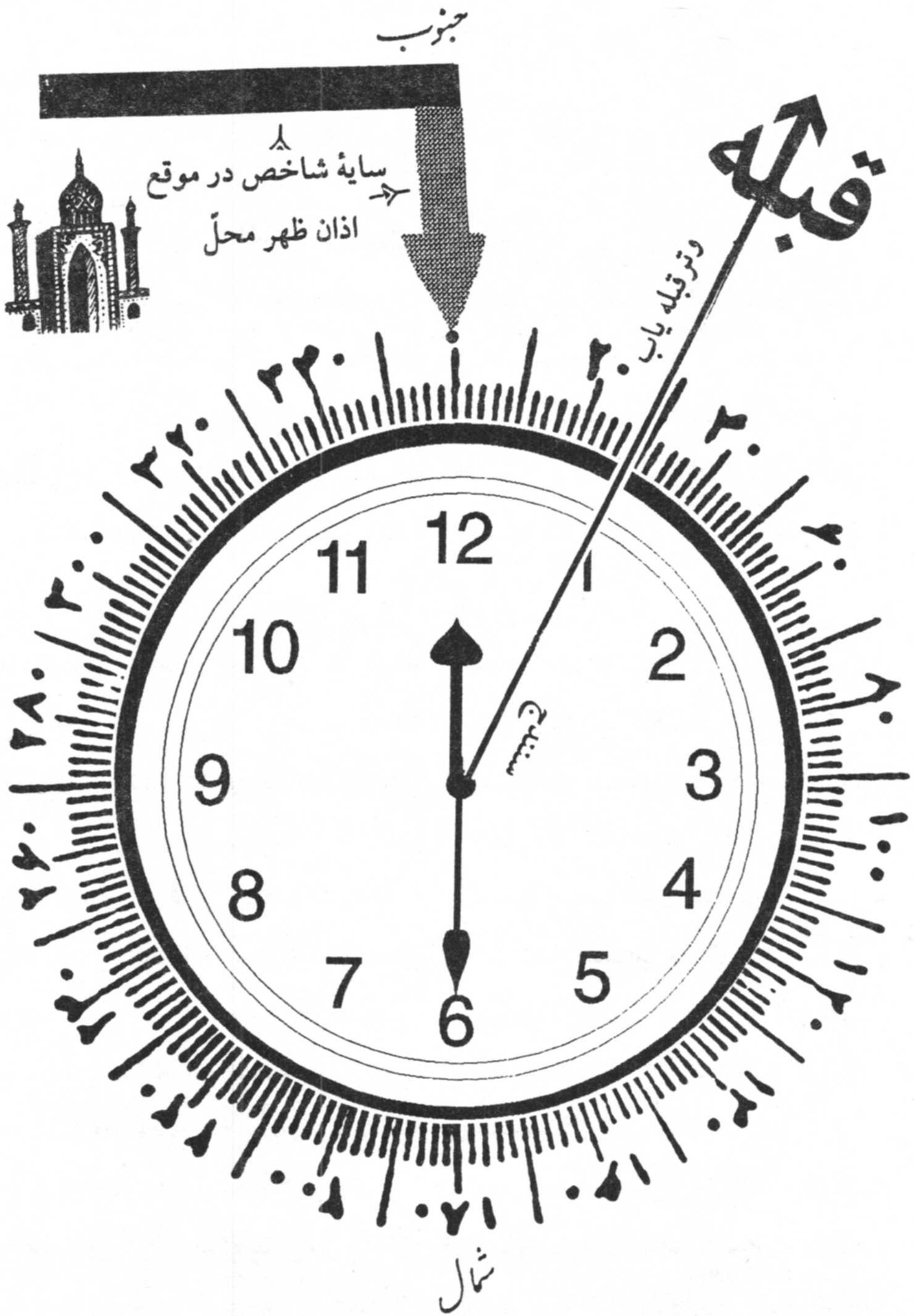
(بحث مُلحقات)

(هـ) دو چشـــم را نشـــان پـنج‌دان — چونکه پنج آمـد در ابـجد ای جـوان
(ی) بـــود (عشـری) ولی ازکــوفیان — در حســاب آیــه هــر دو شد عـیان
چون نشان خـمس بـصری (خب) بـود — (عشــر) ایشــان را نشــان (عب) بــود
رمـز (تب) هـم آیـه بـصری بـود — (لَـیْسَ بِـالْآیَه) از ایشــان (لب) بــود
در مــصاحف رمـز اکـثر ایـن بـود — هست دیگـر لیک بـی تـزئین بـود

(در وقف منازل)

ای پسـر در وقـف و مـنزل درکـلام — هست نـزد قـاریان درشش مـقام
بـــاشد از قُـــرّایکـی ابـن‌کـثیر — گـفته او ایـن وقـف را واجب بگیر
وقف‌کـن آنـرا تـو ای صاحب‌کمال — هـمچنان مُـنزَل زنـزد حـق تـعال
بـــاز دارد آن ثـــواب بس عـــظیم — حـق رهـاند قـاری از نـار جـحیم
مـــوضع آن شش وقـــوف بـاهره — ســه بــود در ســوره اَلبَـقَرَه
اول آنـجاگـفته حـق هـم (یَـعْلَمُون) — ابـتدا (اَلْـحَقُ مِـنْ رَبِّکَ)کـنون
دومـــین (مِـــنْ وَلی وَلانَـــصیر) — ابـــتدا بــر (اَلَّـــذینَ) آن بگـیر
سـیمین بـاشد (وَلاهُـمْ یَـحْزَنون) — ابـــتدا بــر (اَلَّـــذینَ یأْکُـلَون)
چارمش باشد بـه‌حج چـون تشنه آب — جـــای آن بـر (رَبُّـنَااَللّـــه) بـیاب
پـــنجمین در ســـوره یس طـلب — بــر ســر (مِـنْ مَـرْقَدِنا) بـا ادب
ششـــمین در ســوره مـؤمن شـمار — جـایش (اَلیٰ اِنَـهُمْ اَصْحابُ الْنـار)
ابـــتدا بـــر (اَلَـذینَ یَـحْمِلوُنَ) — شـد تـمام ایـن وقـفها ای ذوفـنون
هـــزاران درود هـــزاران ســلام — ز مـــا بـــر مـحمد عـلیه سـلام

پایان



جنوب
سایهٔ شاخص در موقع
اذان ظهر محلّ
قبله
وتر قبله یاب
12
11
1
10
2
9
3
8
4
7
5
6
شمال